



پرتو میپرسد

آتش بس اسرائیل - حماس

اخیر دولت اسرائیل و حماس آتش بس اعلام کردند. چه فاکتورهایی دو طرف را به طرف این رویداد قابل توجه رانده است؟ آیا میتواند به پروسه سازش اسرائیل - فلسطین کمک کند؟ چشم انداز و دورنمای آن را چگونه میبینید؟

فاتح شیخ: هرچند این یک آتش بس موقت و البته نامطمئن است، اما از دو زاویه مهم و مثبت است: اول از زاویه تاثیر فوری بر زندگی روزمره مردم در غزه، که

تعدیبات نظامی اسرائیل و محاصره شدید اقتصادی جانشان را به لب رسانده و دوم از زاویه روند صلح اسرائیل - فلسطین که از نوامبر گذشته بدنیاال کنفرانس آنپولیس وارد دور جدیدی از تحرک کند و ناپیوسته شده است. فاکتور بلافصل پشت این آتش بس موقت، اوضاع غیرقابل تحمل و انفجار آمیز زندگی مردم ساکن غزه است که علاوه بر نا امنی دائم حاصل از تعرض نظامی، با محاصره شدید اقتصادی در ماههای اخیر به نقطه جوش رسیده است. چند ماه پیش جهان شاهد هجوم این مردم به معبر "رفح" و شهر "رفح" در مرز غزه با مصر بود که چند روزی طول کشید تا نیروهای مرزی مصر توانستند آن را مجدداً به کنترل در آورند. میانجیگری دولت مصر در این آتش بس از این نظر قابل فهم است. اما نفس آتش بس حاصل فشارهای اساسی تری هم بر حماس و هم بر دولت اسرائیل است. یک سال پس از سلطه یگانه حماس بر نوار غزه شرایط زندگی مردم غزه غیرقابل تحمل تر شده است. این واقعیت حماس را ناگزیر از درجه ای سازش در برابر درجه ای از به رسمیت شناخته شدن توسط اسرائیل کرده است. اسرائیل هم در این دوره برای به سرانجام رساندن پروسه صلح با فلسطینی ها بیش از پیش زیر فشار بوده است. در عمل هم دیده است که با تشدید محاصره اقتصادی و ادامه تعرضات نظامی نمیتواند به حملات موشکی از غزه پایان دهد. این آتش بس قطعاً حاصل نیاز فوری و مستقیم دو طرف

صفحه ۲

اتحاد وسیع کارگری لازم است



خالد حاج محمدی

کارگران به مقامات دولتی میگویند که گرسنه اند و حقوق پرداخت نشده خود را میخواهند، مقامات دولتی میگویند به گرسنگی تمکین کنید و بروید، بمیرید! این جوابی نه تنها به کارگران هفت تپه بلکه به کل طبقه کارگر و مردم محروم است. بورژوازی ایران در تلاش برای سود بری و پر کردن جیب های گشاد خود، شمشیر از رو بسته است. تحمیل فقر و محرومیت بیشتر و بیکاری و بی خانمانی طبقه کارگر تنها راه بدست آوردن سود بیشتر است. صاحبان سرمایه و دولتشان با گرسنه کردن طبقه کارگر و مرگ و نابودی آن میخواهد سودهای کلا به جیب بزنند. این توحش در سایه سکوت طبقه کارگر و محافظه کاری و امروز به فراد کردن و فعلاً مشکل هفت تپه را مشکل خود ندانستن، میسر شده است. بورژوازی ایران منفعت طبقه خود را آگاه است، برای تامین آن از سرکار پاسدار و مرکز اطلاعات و آخوند تا دادگاه و اداره کار و مجلس شان و صاحبان سرمایه دست در دست هم گذاشته اند و متحدانه میخواهند به قیمت تباهی زندگی طبقه کارگر، بر سرمایه های خود بیفزایند. کارگران هفت تپه دستمزد خود را میخواهند و تامین کار برای سیر کردن شکم گرسنه خود و بچه هایشان نه بیشتر. این در شرایطی است که طبق آمار جمهوری اسلامی ۸۰ درصد کارگران ایران زیر خط فقر زندگی میکنند و گرانی و افزایش هر روزه قیمتها و فقر مطلق و گرسنگی کمر طبقه کارگر را شکسته است.

کارگران هفت تپه در این مدت راههای مختلفی را آزمایش کردند، از طومار اعتراضی، تا اعتصاب و تظاهرات خیابانی و تجمعات مختلف و مراجعه به مقامات مختلف دولتی و ادارات آنها را امتحان کرده اند. اما هنوز به جایی نرسیده اند. امر مسلم این است که زور کارگر هفت تپه با تمام تلاش ارزشمند این مدت به قدرت سرمایه دار

مسئله ملی و مشخصه انترناسیونالیستی برنامه دنیای بهتر



رفیق فرشادک از فعالین کمونیست شهرهای ایران سه سؤال را از رهبری حزب حکمتیست پرسیده اند، ما این سئوالات را در نشریه پرتو جواب خواهیم داد. در این شماره جواب به اولین سؤال ایشان را ملاحظه میکنید.

رفیق فرشاد مطرح کرده اند: آیا قرار دادن بحث رفع ستم ملی در برنامه یک دنیای بهتر تناقضی با مشخصه انترناسیونالیستی کمونیسم کارگری ندارد؟

رحمان حسین زاده: به نظر ما این تناقض وجود ندارد. به این دلیل سر راست

صفحه ۳

در صفحات دیگر

خرداد ۶۰ - دادگاه لازم نیست، درجا بکشید!

حسین مرادیبگی صفحه ۴

مردم و جمهوری اسلامی

صفحه ۵

برگزاری سمینارهای مقدماتی کنگره سوم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

صفحه ۶

ساعات پخش تلویزیون پرتو
۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ هر شب به وقت تهران
تکرار: روز بعد ۳ تا ۴ بعد از ظهر،
ماهواره هات برد، کانال ۶

نشریه مذب کمونیست کارگری حکمتیست
هر هفته سه شنبه ها منتشر می شود
پرتو را بفهوانید و به دوستان فود معرفی کنید

زنده باد سوسیالیسم

→ نمی چربد. مشکل این است در این جدال نابرابر کارگر هفت تپه دست تنها است و دولت و صاحبان سرمایه متحد و یکپارچه ، نیروی مسلح و همه امکانات و پول و مدیا را برای به زانو در آوردن طبقه کارگر به خدمت گرفته است. دیروز کارگران خاتون آباد را به خون کشیدند، هنوز رهبر کارگران شرکت واحد در زندان است، دیروز کارگر کیان تاپر را بیکار کردند و به جمع اعتراضی آنان حمله کردند و امروز کارگر هفت تپه گویا این روند انتهایی ندارد و فردا نوبت سایر مراکز کارگری است.

مشکل کارگران هفت تپه عدم اعتراض نیست، حتی نداشتن تشکل و عدم اتحاد نیست. کارگران هفت تپه در اعتراضات این مدت خود به جمع عمومی خود متکی بودند، جمع شدند و با هم صحبت کردند، تصمیم گرفتند و پای اجرای آن رفتند. شکم گرسنه کارگران اگر سکوت نمی شناسد، شکم سیر ناپذیر صاحبان سرمایه و دولتشان هم گرسنگی کارگر مشککش نیست و سود و سود بیشتر را به قیمت اخراج و بیکار سازی و زدن دستمز کل طبقه کارگر را هدف خود گذاشته

است. مشکل از کارگران هفت تپه نیست ، آنها هرچه در توان داشتند کردن و در جنگی نابرابر دست تنها در مقابل مدیریت و دولت و لشکریان مسلح و مزدورشان ایستادند. همراه خانواده هایشان چندین ماه است روزانه با جیب های خالی و شکمهای گرسنه اعتراض میکنند و خواستهای خود را به اطلاع همه میرسانند. کارگر هفت تپه دست کمک به سوی هم طبقه ایهای خود دراز کرده است و طلب کمک میکند. مسئله این است که کارگر هفت تپه به تنهایی زورش نمیرسد و در مقابل تعرض وسیع دولت جمهوری اسلامی و سرمایه داران ظرفیت مقابله محدودی دارد.

کار با بیکار کردن کارگر هفت تپه و عدم پرداخت دستمز آنها ختم نمیشود، فشار و فقر و گرانی کل طبقه کارگر و کل مردم محروم را با کابوسی طرف کرده است. امروز کارگران هفت تپه و فراد نوبت مراکز کارگری دیگر با همین نسخه و بهانه گیریها خواهد رسید. راهی در مقابل طبقه کارگر جز اتحادی سراسری علیه فقر و محرومیت، علیه بیکاری و اخراج نیست. هیچ بخشی از طبقه کارگر

حتی متشکل هم باشد به تنهایی در مقابل این تعرض دوام نخواهد آورد. باید از بورژوازی آموخت، از اتحادش یاد گرفت، از بی توهمی و بی رحمی و قساوتش یاد گرفت. آنها با مرگ و نابودی جسمی و روحی ما سود و منفعت طبقه خود را تامین میکنند و در این راه از هیچ جنابیتی کوتاهی نخواهند کرد. تنها راه ما اتحاد ما به عنوان یک طبقه و با تمام قدرت است. اما این کار تنها وقتی ممکن است که کارگر سوسیالیست خود را در این موقعیت قرار دهد و به عنوان رهبر سراسری طبقه کارگر پا به میدان بگذارد و از توهمات سندیکالیستی و صنفی گری خود رارها سازد. عقب راندن و در هم شکستن تعرض بورژوا تنها با اتحاد سراسری ما از کارگر شاغل و بیکار ممکن است. هیچ بخش و رشته ای به تنها توان مقابله با تعرض سراسری و متحدانه طبقه حاکم را ندارند. این دیگر بر دوش رهبر و فعال دلسوز کارگری است که در این راه و با بلند کردن شعارهای سراسری و همه گیر درد مشترک را فریاد بزند و برای علاج آن اتحادی سراسری شکل دهد. اتحاد

کارگر به تنهایی بر نمی آید.

ادامه از ص ۱- پرتو میبرسد آتش پس اسرائیل- حماس

است، اما در عین حال نشانه دیگری از تغییر و تحولات جدی در معادلات خاورمیانه است که موجب تحرک اخیر در کل پروسه صلح اسرائیل - فلسطین شده است.

امروز دیگر همه شواهد نشان میدهد که اسرائیل برای پذیرش اجباری دولت فلسطین زیر فشارهای همه جانبه و بیسابقه قرار گرفته و راه فرار از فشار هم دارد بیش از پیش به رویش بسته میشود. از بزرگترین حامی استراتژیکش آمریکا تا اروپا و غیره همه دارند صریح به دولتمداران اسرائیل گوشزد میکنند که مساله صلح با فلسطین و دولتهای عرب، امروز دیگر جدی تر و فزاینده تر از آن است که فقط در موازنه قدرت اسرائیل با فتح و حماس سنجیده شود. اسرائیل اگر صدبرابر هم فشار نظامی و

اقتصادی اش بر غزه و کناره غربی را بیشتر کند و به شهرک سازی در سرزمینهای فلسطینیان هم ادامه دهد، تضمینی پایدار برای امنیت و موجودیتش کسب نخواهد کرد. معادلات در مقیاس وسیعتر جهان و منطقه از پاشنه خارج شده است. در نتیجه کانال استراتژیک حفظ موجودیت اسرائیل، برعکس استراتژی تاکتونی اش، دیگر نه محروم کردن فلسطینیان و اعراب اسرائیلی از دولت مستقل و از حقوق بدیهی شان، بلکه قورت دادن این واقعیات و تلاش برای ایجاد دایره امنیتی وسیعتری به دور خود در منطقه است که در برابر تهدیدات جمهوری اسلامی بتواند به آن اتکا کند. جهت و شتاب تغییرات جهانی و منطقه ای مرتباً به زبان استراتژی کهنه شده اسرائیل کار میکند. از جمله عروج اوباما در صحنه انتخابات رئیس جمهوری آمریکا و پیشی گرفتن

از رقیب جمهوریخواه پیام آور تغییرات جدی تری است که نمیتوان تاثیر آن بر تصمیمات سیاسی اسرائیل را دستکم گرفت. سارکوزی هم در سفر اخیرش به اسرائیل پیام صریح اتحادیه اروپا را به سیاستگذاران اسرائیل رسانده است. اسرائیل با تن دادن به آتش بس با حماس، خود را به باد تحولاتی سپرده که دارد چهره و آرایش جهان و بویژه منطقه خاورمیانه را تغییر میدهد. تلاش اسرائیل برای رسیدن به صلح با سوریه هم در همین جهت است. از آن سو نرمش نشان دادن فتح با حماس هم در همین جهت و در خدمت شتاب دادن به روند کند صلح است. اینکه خود این آتش بس موقت شش ماهه که از پنجشنبه بیست ژوئن به اجرا گذاشته شده بادوام خواهد بود یا نه، زیاد روشن نیست. میتواند نه فقط تا موعد تعیین شده دوام نیاورد بلکه به سرعت بشکند

دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!

ادامه از ص ۱ مسئله ملی و مشخصه انترناسیونالیستی برنامه دنیای بهتر

چون متاسفانه ستم ملی و ایجاد شکاف و خرافه ملی توسط بورژوازی یک مانع پیش پای مبارزه آزادیخواهانه و مبارزه طبقه کارگر ایران است. حتی در بخشی از جامعه ایران، در کردستان ستم ملی به کشمکش و نزاع خونینی تبدیل شده است که بورژوازی دو طرف چندین دهه است بر جامعه تحمیل کرده و از مردم قربانی گرفته اند. برنامه حزب کمونیستی در ایران نمیتواند این واقعیت تحمیلی و تلخ را نبیند و برای رفع آن راه حل نشان ندهد. برای درک شفافتر این موضوع، به بهانه این پرسش لازمست به نگرش کمونیستی ناظر بر درج رفع ستم ملی در برنامه دنیای بهتر رجوع بکنیم. طبیعی است هویت انترناسیونالیستی و مضمون سوسیالیستی ارکان هر برنامه کمونیستی را تشکیل میدهد. اما مانیفست کمونیسم و حزب کمونیستی دخالتگر و تغییر دهنده که قصد تغییر سوسیالیستی و انقلابی جامعه ای را دارد باید ناهنجاریهای اجتماعی آن جامعه را ببیند و راه حل پایان دادن به آن ناهنجاریها را ارائه کند. مانیفست کمونیست که از بیش از صد و پنجاه سال قبل توسط مارکس و انگلس تدوین شده، برنامه کمونیستی حزب بلشویک دوران لنین و دیگر برنامه های کمونیستی تدوین شده، این مشخصه زنده و دخالتگرانه را داشته اند. برنامه کمونیستی، برنامه ایست که اساسا خصلت پایه ای کمونیستی یعنی مبارزه برای لغو کار مزدی و پایان دادن به تقسیم طبقاتی و استثمار انسان به دست انسان و واژگونی نظم سرمایه و ایجاد جامعه آزاد و برابر انسانی را تصویر کرده است و در همانحال و توأماً مبارزه برای رفع تمامی موانع موجود سد راه این مبارزه اساسی و همه مبارزاتی را که بهبود فوری شرایط زندگی و کار و مبارزه طبقه کارگر و مردم تحت ستم را تسهیل میکند، دست نشان میکند. این خصوصیت جامع و زنده و

دخالتگرانه برنامه کمونیستی به شیواترین وجهی در بخشی از برنامه دنیای بهتر تحت نام "انقلاب و اصلاحات" درج شده که در اینجا گوشه ای از آن را نقل میکنم. "سازماندهی انقلاب اجتماعی طبقه کارگر امر فوری جنبش کمونیسم کارگری است. انقلابی که کل مناسبات استثمارگر سرمایه داری را واژگون میکند و به مصائب و مشقات ناشی از این نظام خاتمه میدهد. برنامه ما، برقرار فوری یک جامعه کمونیستی است. جامعه ای بدون تقسیم طبقاتی، بدون مالکیت خصوصی بر وسائل تولید، بدون مزدبگیری و بدون دولت. یک جامعه آزاد انسانی متکی بر اشتراک همگان در ثروت جامعه و در تعیین مسیر و سرنوشت آن. جامعه کمونیستی همین امروز قابل پیاده شدن است. اما آن انقلاب عظیم کارگری ای که باید این جامعه آزاد را متحقق کند، بمجرد اراده حزب کمونیست کارگری رخ نمیدهد. این یک حرکت وسیع طبقاتی و اجتماعی است که باید در ابعاد و اشکال مختلف سازمان یابد. موانع گوناگونی باید از سر راه آن کنار زده شود. این تلاش فلسفه وجودی حزب کمونیست کارگری و مضمون فعالیت هر روزه آن را تشکیل میدهد. اما در همان حال که این مبارزه برای برای سازماندهی انقلاب کارگری جریان دارد، میلیاردها انسان همچنان در تکاپوی هر روزه برای تامین معاش و آسایش خود در متن یک جهان سرمایه داری اند. مبارزه انقلابی برای برپایی یک دنیا ی نو، از تلاش هر روزه برای بهبود وضعیت زندگی مادی و معنوی بشریت کارگر و در همین دنیای موجود جدایی پذیر نیست. از نظر سیاسی کمونیسم کارگری نه فقط سازماندهی انقلاب علیه نظام موجود را با تلاش برای تحمیل اصلاحات هر چه وسیعتر به آن در تناقض نمی بیند، بلکه حضور در هر دو جبهه مبارزه را شرط حیاتی پیروزی نهایی طبقه کارگر

میداند" با این متد و با این نگرش حاکم بر برنامه دنیای بهتر به طور کنکرت به چرایی درج بند رفع ستم ملی در برنامه دنیای بهتر بر میگردیم. قبلاً اشاره کردم که ستم ملی یکی از ناهنجاریهای اجتماعی جامعه ایران است که بر عکس آن تصور خام و اولیه که ناسیونالیستهای دو طرف این ماجرا به منظور پرده پوشی منافع زمینی و واقعی ارائه میدهند، وجود آن از تفاوت زبانی و نژادی و جغرافیایی و قیافه و ناشی نشده است. بر عکس در طول تاریخ، بورژوازی در هر جغرافیا و کشوری و از جمله در ایران به منظور تامین منافع اقتصادی و سیاسی خود، به منظور تحمیل استثمار طبقه کارگر و تامین اسارت و بردگی کارگران و تامین شرایط کار ارزان، منفعت خود را در قالب منفعت عمومی و ملی قلمداد میکند. ملت خودی و غیر خودی را علم کرده و به این ترتیب صفوف انسانها و طبقه کارگر را شقه شقه کرده است. تحت این نام تعصب و ایجاد دشمنی در صفوف کارگران و مردم را کاشته و گسترش داده است. تحت این نام حاکمیت طبقاتی خود را به عنوان حاکمیت "عمومی و ملی" بر مردم تحمیل کرده و برای آن مشروعیت کسب کرده است. در نتیجه در راستای این منفعت طبقاتی به تفاوت زبانی و جغرافیایی و قیافه و غیره پناه برده و از آن به ناحق پرچم سیاسی اعمال ستم ملی و یا در مقابل آن پرچم اعتراضی رفع ستم ملی را ساخته اند. به این شکل بورژوازی و ناسیونالیسم، ملت و هویت ملی و ستم ملی را ساخته اند. ملت و هویت ملی ساختگی و لاجرم به تاثیر از آن ستم ملی از موانعی است که پیش پای مبارزه شفاف و سر راست طبقاتی قرار میگیرد. برنامه حزب کمونیستی این مانع پیشرفت جامعه و مبارزه طبقاتی را باید به عنوان یک معضل ببیند و از سر راه بردارد. ضرورت درج رفع ستم ملی در برنامه دنیای بهتر از اینجا ناشی

شده است. اتفاقاً رفع ستم ملی ابزارتحقیق خرافی ناسیونالیستی را از دست بورژوازی دو طرف میگیرد و راه را باز میکند به قول برنامه دنیای بهتر "که کلیه ساکنین کشور مستقل از ملیت یا احساس تعلق ملی خویش، اعضای متساوی الحقوق جامعه باشند و هیچ نوع تبعیضی چه مثبت و چه منفی در قبال مردم منتسب به ملیت های خاص معمول داشته نشود. حزب کمونیست کارگری تلاش برای جایگزین کردن هویت طبقاتی و انسانی عام و جهانی کارگران بجای هویت ملی را یک وظیفه حیاتی خود میداند" همچنانکه می بینیم به این ترتیب تاکید برنامه بر پایان دادن به خرافه ملی و ستم ملی راه را برای پیشروی سوسیالیستی و انترناسیونالیستی طبقه کارگر فراهم میکند و نه تنها درج آن تناقضی با مشخصه انترناسیونالیستی برنامه ندارد، بلکه در خدمت تقویت خصلت انترناسیونالیستی است. بر عکس کمونیسم ملی و ناسیونالیسم چپ و سنتی درج رفع ستم ملی در برنامه ما در جهت برنامه پردازی و ایده آلیزه کردن مسئله ملی نیست، بلکه در راستای زوال یکی از پدیده های زشت جامعه سرمایه داری است. قاعدتاً در جامعه ای به درجه ای مترقی می بایست سطحی از حقوق مردم تضمین میشد که درج مطالباتی چون رفع ستم ملی و لغو پوشش اجباری و تضمین حقوق اولیه مردم و دفاع از حقوق کودک و حقوق زنان و شهروندان جامعه و ایجاد موازین اجتماعی و فرهنگی پیشرو نمی بایست در برنامه کمونیستی جایی پیدا میکردند، متاسفانه حاکمیت بورژوازی و جمهوری اسلامی در ایران چنان کشور را به قهقرا برده اند، که مبارزه برای این حقوق اولیه و ابتدایی انسانی وظیفه فوری کمونیستها و برنامه کمونیستی است.

نه قومی ، نه مذهبی ، زنده باد هویت انسانی

حسین مرادیگی



سخنان سران جمهوری اسلامی درباره نسل کشی ۳۰ خرداد سال ۶۰: از سخنرانی خمینی در آخرین روزهای سال ۵۹ در مورد آزادی زندانیان غیر سیاسی، بقول خمینی کسانی که جرم سیاسی نداشتند، معلوم بود که سران جنایتکار جمهوری اسلامی نسل کشی عظیمی از نیروهای چپ و آزادیخواه و توده کارگر و مردم معترض به جمهوری اسلامی را تدارک میدیدند.

سرانجام در ۳۰ خرداد ۶۰ به فرمان خمینی و وسیله رفسنجانی ها، خامنه ای ها، بهزاد نبوی ها، محتشمی ها، لاجوردی ها، صفوی ها، محسن رضائی ها، محسنی اژه ایها، خلخالی ها، گیلانی ها، ری شهری ها، خونینی ها و حجاریان ها ماشین آدم کشی جمهوری راه افتاد تا یکی از عظیم ترین فجایع تاریخ بشری را سازمان دهند و با آن مردم بحرکت درآمده برای رفاه و آزادی و برابری را به خاک و خون بکشند. کمونیستها، رهبران شوراهای کارگری، فعالین سازمان های سیاسی و مردم مخالف، گروه گروه دستگیر و در دادگاههای صحرایی به اعدام محکوم شدند. هر کس که شکل و شمایلش به چپ شبیه بود، دستگیر میشد و درجا کشته میشد. از این مقطع به بعد بیش از صد هزار انسان را به جرم آزادیخواهی، به جرم مخالفت با حکومت اسلامی، به جرم تسلیم نشدن به قوانین ارتجاعی اسلامی، به جرم اعتصاب برای بهبود شرایط زندگی، به جرم مبارزه برای رفاه و آزادی با قساوت تیر باران کردند و در ادامه آن حدود سه دهه است که فقر و فلاکت و بیحقوقی را به حدود ۷۰ میلیون

انسان آزاده در ایران تحمیل میکنند. ماشین آدمکشی اسلامی راه افتاد، تا یکی از هارترین و جنایتکارترین رژیمهای بورژوازی اواخر قرن بیستم را برای تحمیل بی حقوقی کامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به مردم ایران شکل دهد.

آنچه که در زیر میخوانید گوشه هائی از این توحش و بربریت بورژوا اسلامی علیه کمونیستها و دیگر انقلابیون و آزادیخواهان را از زبان معماران و سازماندهندگان این نسل کشی در ایران نشان میدهد: موسوی تبریزی دادستان کل انقلاب در مصاحبه ای بمناسبت هفته جنگ که در تاریخ ۲۸ شهریور ۶۰ در کیهان چاپ شده است میگوید: "میدانید که این هفته هفته جنگ است ... همین جنگ نبود، جنگ دیگری هم در داخل بود... در این جنگ (داخلی) ما بیشتر زجر کشیدیم (بیشتر وقت صرف کردیم) تا جنگ با صدام" و ادامه میدهد: "هرکس کوکتل بدست گرفت و در برابر نظام جمهوری اسلامی ایستاد، اینها محاکمه شان توی خیابان است و وقتی دستگیر شدند و به دادستانی رسیدند محاکمه شده اند و حکمشان اعدام است. ... هرکس در خیابان در درگیری و تظاهرات مسلحانه دستگیر شود بدون معطلی همان شب دونفر پاسدار یا مردم شهادت بدهند که آنها در درگیری بوده اند و علیه نظام جمهوری اسلامی قیام کرده اند کافی است و همان شب اعدام میشود". کیهان ۲۹ شهریور سال ۶۰. همین آدمکش ادامه میدهد: "یکی از احکام جمهوری اسلامی این است که هرکس در برابر نظام و امام عادل بایستد کشتن او واجب است، اسیرش را باید کشت و زخمی اش را زخمی تر کرد که کشته شود... این حکم اسلام است. چیزی نیست که ما تازه آورده باشیم". همانجا گیلانی رئیس دادگاه انقلاب اسلامی چنین میگوید: "اما محارب بعد از دستگیر شدن توبه اش پذیرفته نمیشود و کیفرش همان کیفری است که قرآن بیان میکند. کشتن به

خرداد ۶۰ - دادگاه لازم نیست، درجا بکشید!

شدید ترین وجه، حلق آویز کردن به فضاحت بارتترین حالت ممکن و دست راست و چپ آنها بریده شود... اسلام اجازه میدهد که اینها را که در خیابان تظاهرات مسلحانه میکنند دستگیر شوند و در کنار دیوار همانجا آنها را گلوله بزنند و از نظر اصول فقهی لازم نیست به دادگاه بیاورند... اسلام اجازه نمیدهد که بدن مجروح اینگونه افراد باغی به بیمارستان برده شود بلکه باید تمام کشته شود". کیهان ۲۸ شهریور ماه سال ۶۰. سپس در باره پذیرفتن "توبه" چنین میگوید: "پذیرفتن توبه اینها که (در حالت غیر مسلحانه دستگیر شده باشند) خیلی کار مشکلی است. مگر اینکه حاکم شرع علم پیدا کند. ... و یکی از علامت توبه اینها این است که اسرار و مراکز سازمان و مرکز تسلیحاتی را نشان دهند". همانجا. لاجوردی نیز یکی دیگر از جلادان رژیم آشکارا هدف رژیم را از اعدامهای دسته جمعی فوری چنین بیان میکند: "برای اینکه دیگران از این اعدامها درس عبرت بگیرند و بدانند که اگر در تظاهرات مسلحانه دستگیر بشوند جز اعدام کفر دیگری نخواهند داشت. خلخالی هم که آنهانگام حزب الله داد میزد: "دادگاههای خلخالی ایجاد باید گردد" میگوید: "البته ما کار خود را کرده ایم و بقول معروف بازنشسته شده ایم. اما بالاخره تابع امر امام هستیم. اگر ایشان بفرمایند بله ما قبول میکنیم. حالا در دادگاهها بد کار نمیکند. البته اگر ضرورت اقتضاء کند طوری که رفاقتوانند درست تصفیه بکنند یا در تشخیص مثلا اینکه چه کسی مرتد است، چگونه مهدورالدم است دچار تردید شوند ما حاضریم". کیهان ۲۹ شهریور ماه سال ۶۰.

"علیرغم ادعاها و تذکرات گمراه کننده در مورد اولویت جنگ با عراق، بدرستی سرکوب ضد انقلابیون در درجه اول اهمیت قرار داده شده است." خمینی به دانش آموزان اخطار میکند که به هیچگونه مبارزه ای علیه رژیم اسلامی دست نزنند بلکه همکلاسی های خود را به پاسداران و کمیته چی ها لو دهند. در مورد محاکمه انقلابیون و آزادیخواهان نیز دستور میدهد: "بی کم و کاست قرآن کریم را اجرا نمایند". بعدها خمینی که جمهوری اسلامی را تثبیت شده می بیند، در دی ماه ۶۱ چنین میگوید: "اکنون حال آرامش است، حال آنست که مردم نسبت به سرمایه هایشان اطمینان داشته باشند، بیایند و سرمایه هایشان را بکار ببندازند، نترسند، هیچ احدی حق ندارد به سرمایه هایشان دست بزند، اگر در گذشته با هزار مصیبت یک خانه تیمی میگرفتند، ما همین دیشب ۵۰ خانه تیمی گرفتیم." بعد رادیو و تلویزیون جیره خوارش را ملامت میکند و میگوید "چرا چند کلمه میگویند، آنهم بدون تشریح". همراه اینها شبکه وسیعی از وزرا و روسای دادگاههای انقلاب اسلامی، از فرماندهان سپاه و سران اطلاعات گرفته تا شکنجه گران و قمه کشها و موتور سواران حزب الله تا خیل امام جمعه ها تا مجاهدین انقلاب اسلامی و خط امامی های دوآتشفه و خاتمی و بهزاد نبوی و محتشمی و جلالی پور و گنجی و باقی و دهها تن دیگر از اوباش اسلامی و دوم خردادیهای سابق، مجریان و مبلغین و مشوقین این مسابقه آدم کشی بودند. یادوهای توده ای و اکثریتی نیز بعنوان مدافعین نظام جمهوری اسلامی، رهبران اعتصابات کارگری و دیگر فعالین سیاسی مخالف حکومت اسلامی را به مجریان این نسل کشی لو میدادند و معرفی میکردند. حکومت آدم کشان اسلامی سرمایه هنوز به حیات ننگین خود ادامه میدهد. اوباش اسلامی هنوز چنگ و دندان نشان میدهد. در این مدت مردم ایران نیز

سرنگون باد جمهوری اسلامی

→ پیکارهای زیادی را علیه جمهوری اسلامی از سر گذارنده اند. جنگی که جمهوری اسلامی حدود سه دهه قبل علیه مردم ایران اعلام کرد همچنان بین ما و مردم و جمهوری اسلامی ادامه دارد. این جنگ را باید ما و مردم ایران با به زیر کشیدن جمهوری اسلامی و به دانشگاه سپردن جنایتکاران اسلامی به سرانجام برسانیم. برای این باید سازمان داد. باید مردم را به هم بافت و متحد کرد. ناجی ای جز ما و مردم نیست. این دور باید دور آخر جنگ ما و مردم باشد برای از جاکندن جمهوری اسلامی و برپای یک دنیای بهتر. ***

مردم و جمهوری اسلامی

فارس تجمع اعتراضی کردند . در درگیری تعدادی از شهروندان یکی از محلات کرمانشاه با ماموران شهرداری رژیم که برای تخریب بخشی از ساختمانها وارد منطقه شده بودند ، تیر هوایی شلیک و چند نفر مصدوم شدند . جمعی از معلمان زن حق التدریسی مناطق مختلف تهران و استان قم در مقابل مجلس تجمع کردند و خواستار استخدام در وزارت آموزش و پرورش و رفع مشکلات خود شدند .

برای دومین روز متوالی کارگران نیشکر هفت تپه اتوبان اهواز اندیشک را مسدود کردند و به همراه خانواده های خود و مردم هفت تپه یک تجمع اعتراضی چند هزار نفری را تشکیل دادند ، کارگران شعارهای کارگر هفت تپه ایم گرسنه ایم گرسنه/ کارگر می میرد ذلت نمی پذیرد/ حقوق ماهیانه حق مسلم ماست/ معیشت و زندگی حق مسلم ماست/ ساعدی ، شفیمی مرگت باد و... را سر دادند و مسئولان حکومتی با گسیل گسترده نیروهای امنیتی و انتظامی به محل سعی داشتند از اقدامات اعتراضی کارگران جلوگیری کنند . کارگران با بستن اتوبان به اعتراض خود ادامه دادند .

باید در تقویت و گسترش و همگانی کردن صدا ، فریاد ، پرچم و اعتراضات دانشجویان ، زنان و کارگران پیشرو ، مبارز و انقلابی ، آزادیخواهان و برابری طلبان ، انسانهای شریف و باوجدان در میان توده ها و کارگران و مردم زحمتکش کوشید تا جنبشهای اجتماعی و سیاسی وسیع و سراسری قدرتمند به میدان بیاید.

دانشگاه قزوین به دادگاه انقلاب و چند دانشجوی دانشکده خبر به حراست دانشگاه احضار می شوند و دو دانشجوی کردزبان در اصفهان بازداشت می شوند.

متأسفانه دو دانشجوی دانشگاه های سیستان و بلوچستان و دانشگاه آزاد لاهیجان که بارها به کمیته های انضباطی در حراست دانشگاه احضار شده و تحت فشار قرار گرفته بودند ، خودکشی کردند. دختر دانشجوی دانشگاه آزاد لاهیجان خود را از اتاق حراست دانشگاه در طبقه چهارم به پایین می اندازد و دانشجوی دیگر با خوردن قرص خودکشی می کند . دادگاه انقلاب محمد صدیق کیود وند روزنامه نگار را به جرم تاسیس سازمان حقوق بشر کردستان و اتهامات دیگری به ۱۱ سال زندان محکوم می کند . هانا عبیدی از فعالان حقوق زنان به اتهام تبانی و اقدام علیه امنیت ملی به ۵ سال زندان با تبعید محکوم شد ، وروناک صفار زاده یکی دیگر از فعالین زنان که در بازداشت است ، متهم به محاربه با خدا شده و منتظر دریافت حکم است .

با همه اختناق و سرنیزه موجود باز هم اعتراضاتی ، در هفته قبل وجود داشت : با دستگیری دختر قربانی دانشجوی زنجان و تهدید با برخورد با دانشجویان افشا کننده ، معاونت دانشجویی فعلا مشخص نیست که نتیجه تحسن و اعتراضات چه خواهد شد .

کارگران صنایع مخابراتی راه دور ایران ، پروژه کارت سوخت که حقوق ۴ ماه خود را دریافت نکرده بودند در مقابل استانداری

از طرف دیگر روزی نیست که مسئولان قضایی ، انتظامی ، حراستی ، امنیتی و اطلاعاتی با تکیه بر ولایت مطلقه فقیه ، فتواها و قوانین شرعی و جنایی اسلامی و به بهانه های ارتقای امنیت اجتماعی ، مبارزه با بدحجابی ، مبارزه با دشمن و تهاجم فرهنگی ، مبارزه با کفر و الحاد و توطئه براندازان و معاندان ، با اتهامات کلیشه ای اقدام علیه امنیت ملی ، نشر اکاذیب ، توهین به اسلام و ارتباط با گروههای ضد انقلاب و... بگیر و ببند راه نیندازند ، بازداشت ، زندان ، شکنجه ، تبعید و اعدام نکنند ، نشریاتی را توقیف نکنند ، دانشجویانی را ستاره دار ، تعلیق و محروم از تحصیل نکنند و به کمیته های انضباطی نکشانند ، به جمع اعتراضی کارگرانی حمله نکنند و زنان برابری طلبی را بازداشت و محکوم نکنند و خبر ساز نباشند .

به گوشه ای از این تعرضات در طی هفته گذشته توجه کنید : ماموران اطلاعاتی و امنیتی حکومت اسلامی، در تماس های تلفنی با نه تن از دانشجویان آزادیخواه و برابری طلبی که با قید وثیقه آزاد شده اند ، آنان را تهدید به محاکمه با اتهام ارتداد که حکم آن اعدام است کرده اند تا آنها را به وحشت بیندازند ! فرهاد حاجی میرزایی که در ارتباط با دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب دستگیر شده ، شکنجه شده ، همچنان در زندان است . ساناز الله یاری دانشجوی دانشگاه آزاد قزوین توسط نیروهای اطلاعاتی و امنیتی مورد تهدید قرار می گیرد و برای دومین بار به اداره ی اطلاعات قزوین احضار و بازجویی می شود . پنج دانشجوی

علاوه بر استبداد و اختناق موجود ، تبعیض و نابرابری ، بیکاری ، تورم ، فقر ، محرومیت ، سوتغذیه کودکان ، گرانی مسکن و اجاره آن ، نبود بهداشت و درمان ، فاصله عمیق طبقاتی ، فلاکت ، خودکشی ، بیماری های روحی و روانی ، تن فروشی ، اعتیاد ، دختران فراری ، بزه کاری ، کودکان کار و خیابانی ، دستفروشی ، کارتن خوابی و... رو به افزایش است و بیداد می کند ، این لشکریان مخلص امام زمان و نمایندگان خدا بر روی زمین ، برای بقای نظام سرمایه و جمهوری اسلامی، قدرت ، ثروت ، لذت و ماندشان ، چاره را در این می بینند که از یک طرف با ریاکاری و دروغگویی به تحمیل مردم ادامه دهند ، از محل درآمدهای کلان نفتی و ثروت های طبیعی و با استثمار کارگران و زحمت کشان و تعرض به معیشت آنان و به زیر خط فقر کشاندنشان ، همچنان دم از قله های تحجر و ام القرا شدن برای کشورهای اسلامی بزنند . با ترویج خرافات ، یک دم از تحمیل مردم با اسلام ناب محمدی و عدل علی و نامه ای که به مالک اشتر نوشت و بوسه ای که محمد بر دست کارگر زد و اسلامی که خوب و خوش خیم و با دموکراسی سازگار است و مضحکه های انتخاباتی و جنگهای زرگری غافل نمی شوند ! چرا که تحمل رسیدن صدا و فریاد های دانشجویان و زنان و کارگران آزاده و مبارز ، آزادیخواهان و برابری طلبان ، انسانهای شریف و باوجدان ، به مردم و توده های زحمت کش و کارگر و آگاهی و قیام آنان باشند !

تغییر ساعت پخش برنامه به زبان کردی تلویزیون پرتو

به اطلاع عموم میرسانیم که منبهد برنامه های تلویزیون پرتو به زبان کردی (روزهای یگشنبه ۸،۳۰ ساعت تا ساعت ۹،۳۰ از کانال ۶ پخش میشود.

برگزاری سمینارهای مقدماتی کنگره سوم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

به دنبال تصمیم کمیته رهبری حزب حکمتیست مبنی بر برگزاری سمینارهای مقدماتی کنگره سوم حزب، در روزهای ۲۲ تا ۲۴ خرداد ۸۷ (۱۳ تا ۱۵ ژوئن ۲۰۰۸) سه سمینار از سلسله سمینارهای مقدماتی با حضور اکثریت اعضای کمیته مرکزی برگزار شد. هدف این سمینارها ایجاد بیشترین امکان تبادل نظر و همفکری در میان اعضا کمیته مرکزی در مورد مهمترین مسائلی است که در مقابل کمونیستها عموماً و حزب حکمتیست بطور اخص قرار دارد. سمینارها به شکل پانل برگزار شده و در هر مبحث تعدادی از اعضای کمیته مرکزی بحث خود را معرفی کرده و سرانجام شرکت کنندگان در سمینار به بحث و جدل در مورد جوانب مختلف مسئله پرداختند.

مضامین این سمینارها عبارت بودند از:

- ۱- اوضاع سیاسی ایران، مولفه های جدید
 - ۲- حزب، رهبری، مکانیسم های رهبری سراسری حزب
 - ۳- گارد آزادی
- در مبحث "اوضاع سیاسی ایران، مولفه های جدید" پانلیستها عبارت بودند از رفقا: ثریا شهابی، رحمان حسین زاده، فاتح شیخ، کورش مدرسی و محمود قزوینی. در این مبحث ضمن اشاره به اوضاع جهانی، جدال میان قدرتهای بزرگ امپریالیستی برای تقسیم مجدد جهان، موقعیت

جمهوری اسلامی در سطح بین المللی و منطقه ای، توازن قوا میان رژیم و مردم از زوایای مختلف مورد بحث قرار گرفت. تأثیرات این اوضاع بر موقعیت و صف بندیهای جدید میان اپوزیسیون جمهوری اسلامی، پولاریزه شدن صفوف اپوزیسیون، پرو رژیم شدن بخش دیگری از اپوزیسیون بورژوازی بررسی شد. همچنین مساله تورم، گرانی و فقر و گرسنگی و محرومیت بیشتر مردم، موقعیت کارگر و کمونیسم در این اوضاع و راههای ایجاد بیشترین اتحاد میان مردم، به میدان آمدن طبقه کارگر و دخالتگری کمونیستی و نقشی که کمونیستها عموماً و حزب حکمتیست خصوصاً میتوانند ایفا کند، به بحث و بررسی گذاشته شد.

مبحث دوم این سمینار "حزب، رهبری و مکانیسمهای رهبری" بود. پانلیستهای این سمینار رفقا بهرام مدرسی، حسین مراد بیگی (حمه سور)، خالد حاج محمدی، صالح سرداری و کورش مدرسی بودند.

در این مبحث نیز به موقعیت کنونی حزب حکمتیست، رشد و دامنه نفوذ اجتماعی آن در ایران، و چگونگی رابطه تشکیلات حزب در داخل ایران با رهبری موجود حزب، شیوه ها و ابزارهای رهبری کمونیستی، سبک و سنن کار تشکیلاتی و راههای پیشروی و موانع و مشکلات ما، رهبری حزب از نگاهی استراتژیک، نسل

جدید کمونیستها و چگونگی دخیل کردن و عجین کردن این نسل در سطوح مختلف رهبری حزب از زوایای مختلف مورد بحث و بررسی قرار گرفت. همزمان بر اهمیت جایگاه یک رهبری سیاسی و متمرکز سراسری و در سطح بالای حزب بعد از کنگره و شکل و آرایش مناسب آن تأکید شد.

روز سوم سمینارهای مقدماتی به مبحث گارد آزادی پرداخت و پانلیستهای این سمینار نیز عبارت بودند از رفقا: اسد گلچینی، سلام زبجی، عبدالله دارابی و محمود قزوینی.

در این سمینار نیز ضمن ارزیابی از موقعیت کنونی گارد آزادی و نقش و جایگاه تا کنونی آن، دیدگاههای مختلف در مورد نقش گارد آزادی و چگونگی گسترش آن طرح شد. همچنین در رابطه با اوضاع خاورمیانه و مولفه های جدید، جنگهای نامتقارن، جمهوری اسلامی و باتندهای فاشیست و نقش مخرب آنها در سیر مبارزات مردم برای رهایی از رژیم اسلامی، اهمیت ایجاد امکان دفاع از خود برای مردم و شکل دادن به نیروی گارد آزادی و نقش آن در معادلات موجود، ویژگی کردستان و جایگاه نیروی مسلح شهری، واحدهای نیمه منظم گارد و حضور رهبران کمونیست در میان مردم، سوالات موجود در رابطه با گارد آزادی، تجارب تاکتونی و اهمیت رفع اشکالات و موانع و از زوایای مختلف مورد بحث و تبادل نظر قرار

گفت.

اعضای کمیته مرکزی در این سمینارها با دخالت بسیار فعال و جدی خود جوانب مختلف مباحث فوق را مورد بررسی قرار داده و نقطه نظرات بعضاً گوناگون را مورد مناقشه قرار دادند. با توجه به وقت کافی (یک روز برای هر مبحث)، این سمینارها کمک کردند تا اعضای کمیته مرکزی حزب به درکهای مشترک و بعضاً واحد از مباحث دست یابند. همزمان جوانب مختلف و راه حل های مناسب در جهت اتخاذ سیاستی فعال و دخالتگرانه کمونیستی و نقشی که حزب حکمتیست میتواند و باید ایفا کند در هر مبحث موشکافانه بررسی شد.

مضمون این مباحث بنا به تصمیم کمیته رهبری به شیوه مناسب به اطلاع عموم خواهد رسید.

بر اساس مباحث مطرح شده، از طرف ارگانهای رهبری حزب (دفتر سیاسی و کمیته رهبری)، قطعنامه و اسناد مصوب لازم تهیه و در دستور کار حزب برای اجرا قرار خواهد گرفت.

سمینارهای بعدی در مورد مسائل گوناگون حزب و جامعه به تدریج و تا مقطع کنگره به همین روال برگزار خواهند شد.

کمیته رهبری حزب

حکمتیست

۳۱ خرداد ۸۷ (۲۰ ژوئن)

(۲۰۰۸)

به تلویزیون پرتو کمک مالی کنید!

تلویزیون پرتو تریبون زن، کارگر و جوان معترض، تریبون آزادیخواهی است.

کمکهای خود را میتوانید به شماره حساب زیر واریز کنید.

دارنده حساب: A.J

شماره حساب: ۶۰۲۸۱۷۱۹

کد بانکی: ۲۰۵۸۵۱

نام بانک: Barclays

